

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

توجه التكليف الى الصبي و الصبية و حديث رفع القلم

مستحضرید دیروز عرض شد بنا بر تفسیر مشهور از واجب مشروط قبل از حصول شرط ما وجوبی نداریم؛ مثلاً ساعت 10 صبح نسبت به نماز ظهر امروز ما وظیفه ای نداریم؛ حال فرض کنید اگر کسی قبل از دخول وقت، مقدمات را انجام ندهد در وقت انجام تکلیف نمی تواند انجام دهد مثلاً اگر نسبت به احکام معرفت پیدا نکند در وقت نمی تواند احکام را انجام دهد و... البته بحث دیروز ما ربطی به قبل از بلوغ نداشت اما ما دیروز عرض کردیم کار زمانی سخت می شود که شخص بالغ نباشد. الان محل بحث این است کسی که مُراهق (نزدیک به بلوغ) است اگر احکام را یاد نگیرد حداقل یک یا دو روز نمی تواند احکام را بعد از بلوغ انجام دهد، از طرف دیگر شعار اسلام رفع القلم عن الصبی (غیر بالغ) است؛ نسبت به این بچه ما چه باید بگوییم؟ در ضمن نمی خواهیم بار اضافه ای بر دوش مُراهق هم بگذاریم.

این بحث، بحث مهمی است اگر از عبادات و معرفت احکام فاصله بگیریم و به سراغ باب ارتکاب جرم و ارتکاب سرقت... برویم؛ آقای نقل می کرد یکی از آقایان که الان جز بزرگان است زمان بچگی خیلی سردرد داشته و در دوران بچگی با خودش می گفته من که تکلیف ندارم خودکشی کنم بهتر از سر درد است و... در این موارد ما چه می توانیم بگوییم؟ آیا بچه در این موارد تکلیف دارد؟ در مواردی که عقل استقلالاً قبْحش را می فهمد باز هم رفع عن الصبی جریان دارد؟ این مساله جای کار دارد و قابلیت دارد به عنوان یک پایان نامه نوشته شود البته می توانید موضوع را جوری مطرح کنید که تکراری نباشد. مثلاً گستره شناسی این بحث را عنوان کند.

سوال: ما حق داریم به بچه ای که هنوز بالغ نشده است تکلیف کنیم و بگوییم بر بچه واجب است شرعاً؟

در پاسخ به این سوال می توان دو پاسخی را مطرح کرد.

1: مرحوم خویی: بر بچه هیچ چیز واجب نیست ولو اینکه در زمان بلوغ نتواند تکلیف را درست انجام دهد.

2: مرحوم نائینی: هر چه را که عقل مستقلاً درک کند می تواند مورد تکلیف واقع شود لذا صبی نیز در نسبت به مستقلات عقلیه تکلیف دارد.

قول قائلان به اثبات وجوب شرعی بر صبی

بیان اول: ما معتقدیم وجوب مقدمه مثل معرفت قبل از بلوغ، حفظ قدرت (کسی که آب دارد و اگر آب را دور بریزد در وقت

قدرت بر وضو ندارد) یا تحصیل قدرت (اگر کسی الان دنبال آب نرود در وقت نمی تواند آب بیابد) لازم است.

یکی از شاگردان ایشان (مرحوم خویی) اشکال می کند و می فرماید: مگر شما و دیگران نگفتید بلوغ شرط عامه تکلیف است؟

آقای نائینی پاسخ می دهد: بلوغ در جاهای که عقل مستقلاً می فهمد بلوغ شرط عامه به حساب نمی آید به عبارتی بلوغ در غیر

مستقلات عقلیه شرط تکلیف است. در موردی که اگر مُراهق یاد نگیرد واجب فوت می شود عقل می گوید بر تو مُراهق است که

بروی یاد بگیری و...

استاد: آیا قبل از بلوغ یادگیری اصول دین لازم نیست؟ جالب این است که برخی می گویند باید از روی ادله هم اصول دین را به

دست بیاورد و... ما معتقدیم که اصول دین یادگیری از روی ادله لازم نیست. به نظر ما ایمان امر قلبی است و مومن به کسی

می گویند که اعتقاد قلبی دارد ولو اینکه نتواند دلیل بیاورد. مردم کوچه و بازار چقدر می توانند به نظر شما دلیل بیان کنند؟

ما بچه بودیم از برخی می پرسیدیم خدا کجاست؟ آنها می گفتند خدا مثل نقل و نبات است این جمله شرک است اما حکایت از ایمان دارد.

در بحث محاکمه سران آلمان(نازی ها) برخی از نازی ها می گفتند ما طبق قانون کشور خودمان عمل کردیم و تخلف نکردیم برخی از قضات به شک و شبه افتادند بعد به ذهن قضات رسید و گفتند در قوانینی که ضد قطعی عقل است بخشوده نیست و عذر ندارید لذا برخی ها را اعدام کردند.

استاد: البته ممکن است ما بگوییم برخی تکالیف(محرمات) متوجه بچه هست اما اجرا حدود و قصاص نسبت به بچه جاری نمی شود.

بیان دوم محقق نائینی: من این بیان را از آقای خویی نقل می کنم ایشان می فرمود: استاد ما (نائینی) معتقد بودند که بچه تکلیف دارد و حدیث رفع قلم در حق بچه نسبت به واجباتی که عقل درک می کند جاری نیست.

آیا حدیث رفع قلم در احکام وضعی جاری است یا نه؟ اگر کسی در خواب به دیگری لگد زد و بچه درون شکمش فوت شد آیا ضمان می آید یا نه؟ آیا در عقود و ایقاعات جاری است یا نه؟ بین علما در این موارد اختلاف است.

فرق بیان اول و دوم محقق نائینی: ایشان در بیان اول صریحاً می فرماید: کسب قدرت برای بچه واجب شرعی است و مدرک آن عقل است.

اما در بیان دوم صریحاً می فرماید واجب، شرعی نیست بلکه واجب عقلی است.

عبارت ص 369

فی توجه التکلیف شرعاً الى غير البالغ - و منه وجوب العلم بالاحکام - رأیان: رأی بالاثبات و رأی بالعدم.

اما الاول فقال المحقق النائینی بعد القول بوجوب المقدمة شرعاً حفظاً للغرض حتى قبل البلوغ:

«فان قلت: أليس البلوغ من الشرائط (الشروط) العامة فكيف يمكن القول بوجوب تحصیل القدرة او ابقاؤها قبله؟ قلت: البلوغ انما يكون شرطاً للتكاليف الشرعية التي لم تستكشف بقاعدة يستقل العقل بها و اما التكاليف الشرعية التي استكشفت من استقلال العقل يحكم فلا موجب لكون البلوغ شرطاً لها بل هي ثابتة في حق كل من يكون قابلاً لتوجه التكليف اليه... بل يستحيل اشتراط تلك التكاليف بالبلوغ لمنافاته للحكم المستقل به العقل كما في وجوب المعرفة في الاصول الاعتقادية قبل البلوغ، فان العقل يستقل به لان يكون المكلف مؤمناً في اول زمان بلوغه».

و له بيان آخر في نقل تلميذه المحقق الخوئي رأيه و هو:

«ان التمسك بحديث رفع القلم لرفع وجوب التعلم غير ممكن و ذلك لان وجوبه عقلی و حديث الرفع لا يرفع الوجوب العقلی».

و بين البیانین - مع اتحاد الغرض فيهما - تفاوت من جهة ان النائینی في ثانی البیانین المنسوب اليه منكر للوجوب شرعاً و لذلك نفى جریان حدیث رفع القلم بالنسبة اليه في حال انه في اول البیانین مصرح بالوجوب الشرعی المستفاد من ادراك العقل غير المختص بالبالغ.

استاد: به نظر شما ما این حرف ها را از محقق نائینی بپذیریم یا نه؟ این ادعاهای شما در این دو بیان(حدیث رفع برای بچه نیست) دلیلش چیست؟

سوالات ما از محقق نائینی:

1: بعضی وقت ها تکلیفی عقلی است و نقلی مثل حرمت دروغ، غیبت، تهمت و... طبق بیان محقق نائینی شرط این تکالیف نیز بلوغ نیست.

ممکن است محقق نائینی بفرماید: این مساله تصورش با تصدیقش همراه است و... ما می گوییم این طور نیست والا نباید محقق خویی انکار می کرد.

2: شما فرمودید: حدیث رفع قلم در واجبات عقلی جاری نمی شود؛ به چه دلیل چنین ادعای می کنید؟ این جز واضحات هم نیست چون شخصی مثل آقای خویی این را رد می کند. کجای روایت دارد رفع القلم عن الصبی الا در مستقلات عقلیه؟ این سلوکی که شما با حدیث رفع قلم دارید منشا چیست؟

3: ما دیروز گفتیم لیس للعقل الا الادراک، آقای نائینی شما می فرمایید قبل از بلوغ، وجوب معرفت می آید(بیشتر به بیان دوم ایشان ناظر است) آقای نائینی، عقل که وجوب ندارد و اگر بند قاعده ملازمه نشود اعتباری ندارد.

ممکن است شما بگویید این مبنای شماسست نه مبنای نائینی؛ ما می گوئیم اتفاقاً مباحث عقل و ملازمه را محقق نائینی خوب فهمیده است ایشان صریحاً می فرماید: لیس للعقل الا الادراک... آقای نائینی ما چطور در رساله بنویسیم بر صبی عقلا یا شرعا واجب است؟

من در فقه و عقل بسیار معطل این بحث شدم فقه و عقل را ببینید.
از آنجا که ایشان(محقق نائینی) این بحث را محکم نکرده اند و حدود و ثغورش را مشخص نکرده اند برخی مثل آقای خویی قائل شده اند که بچه اصلاً تکلیفی ندارد و مثل دیوار است.

استاد: آقای خویی: آیا فقها چنین التزامی دارند؟ آیا فقها می گویند که لازم نیست شخص قبل از بلوغ یاد بگیرد ولو اینکه تکالیفش در وقت فوت شود؟! آیا قضا چنین تکالیف فوت شده لازم نیست؟

الحمد لله رب العالمین